

حوزه‌های ساماندهی و بازسازی پس از سانحه

تعهدات سیاسی

به منظور انجام بازتوانی پس از بلایای دهشتناک به مصالح فراوان، منابع انسانی بسیار، موسسات و سازمان‌های توانمند ملی مناسبی نیاز است. اگر چه ممکن است انجمن‌های گوناگون محلی و بین‌المللی برای کمک به آسیب دیدگان در بازتوانی شرکت کنند، ولی بخش اعظم مسئولیت ساماندهی و بازسازی بر عهده استان سانحه‌خیز است. علاوه بر این، یک بازتوانی موثر به توانایی‌های مقامات دولتی برای برنامه‌ریزی و هماهنگی با گروه‌های گوناگون درگیر در این فرایند بستگی دارد. ایجاد تسهیلات جهت اینگونه نیازها مستلزم تعهدات سیاسی دولت در منطقه آسیب دیده است.

اما به هر حال، تحکیم راه‌های صحیح سرمایه‌گذاری، اختصاص تمامی منابع، فراهم آوردن خدمات و موقعیت‌هایی برای بازتوانی غالباً در یک فضای سیاسی صورت می‌گیرند. همچنین فشارهای انتخاباتی و مقامات محلی در جهت‌گیری سیاست‌های بازسازی موثرند. مادامی که اکثر دولت‌ها در دوران اضطرار پس از سانحه تمایل به جبران ضایعات و خسارات دارند، با پیشرفت زمان و عملیات، به تدریج اهداف مورد نظر کم اهمیت‌تر می‌شوند. همچنین از توجه و علاقه رسانه‌های گروهی نیز به دلیل وجود دیگر مسائل روزمره جامعه کاسته می‌شود و نهایتاً میزان پشتیبانی از آسیب دیدگان کاهش می‌یابد و مقامات به دیگر مسائل موجود د جامعه می‌پردازند که در نتیجه روند بازتوانی به تاخیر می‌افتد. حتی در بعضی موقعیت‌ها (مانند درگیری‌های داخلی) ممکن است اصولاً علاقه‌ای به انجام تعهدات قبلی نباشد، زیرا سرعت برنامه‌ریزی برای ساماندهی و بازسازی با تعهدات سیاسی در سطوح گوناگون ارتباط کامل دارد و در حین اجرای عملیات پایدار می‌ماند.

دست اندرکاران بازسازی

پرسش‌هایی که پیش روی اکثر برنامه‌ریزان بازتوانی قرار دارد عبارتند از: چه کسی نیازمند است؟ در چه زمانی نیازمند است؟ و چه باید کرد؟ پاسخ قابل قبول در بینشی جامع، به میزان موثر بودن تلاش‌های بازتوانی بستگی دارد. نظر به نیاز فراوان به منابع انسانی در یک بازتوانی موثر، مجریان بازسازی باید ضمن بسیج گروه‌های داوطلب مردمی از نیروی آنان استفاده کنند.

راهبردهای اجرایی با هدف کاهش اثرات بلایای طبیعی :

به وضوح می‌توانیم وقوع بلایای طبیعی و اجتناب ناپذیر بودن وقوع آن را دریابیم. ولی آنچه مهم و ضروری به نظر می‌رسد اتخاذ تدابیر و راهبردهایی است که امکان خسارت‌های حاصله را تا اندازه زیادی کاهش دهد. بستر طبیعی که بیشتر شهرهای ایران بر روی آن مکان‌یابی شده و در ادوار تاریخ نیز رشد و توسعه یافته است، همواره به صورت بالقوه شرایط لازم را برای ابتلا و وقوع حوادث مختلف در خود دارد. با توجه به مکان‌گزینی بیشتر شهرهای کشور در دامنه کوه‌ها و اشرف حوضه‌های آبریز فراوان و متعدد به آن، امکان وقوع سیل و خطر سیل‌گیری شهرهای پایین دست، همواره وجود

دارد. از طرفی وضعیت زمین ساخت کشور و قرارگیری در کمربند کوهزایی آلپ- هیمالیا و وجود گسل‌های فراوان در پیکره زمین شناسی و بستری که شهر بر روی آن مکان‌یابی و استقرار یافته است، امکان وقوع زلزله را نیز در ذهن تداعی می‌کند. سیل‌خیزی و تهدید بلایای طبیعی سیل برای مجموعه‌های شهری، امروزه به دلیل رشد و توسعه شهرها و تراکم جمعیت وجود دارد و عوامل ایجاد آنها نیز عوامل انسانی و طبیعی هستند. اگرچه عوامل طبیعی به عنوان عامل اصلی ایجاد سیل می‌باشد، اما سهم مهمی از خسارتهای وارده ناشی از سیل را عوامل انسانی سبب می‌شود. رشد روز افزون جمعیت و افزایش مهاجرت به این مرکزهای جمعیتی، باعث دست اندازی و تعرض به حریم مسیل‌ها، رودخانه‌ها و حوضه‌های آبریز شده است و بسیاری از حریم‌های تحت فعالیت خانه سازی قرار گرفته‌اند که این خود سهم مهمی در هنگام بروز طغیان‌ها در ایجاد خسارت‌های ناشی از سیل دارد. از مجموع اقدام‌های لازم که می‌توان با انجام آن خسارت‌های سیل را به حداقل رساند، اقدام‌های ساختمانی و مدیریتی است که تلفیق و استفاده از این دو روش با هم بسیار موثر، کارا و مفیدتر از اجرای یکی از آنهاست. از اثرات زلزله بر ساختارهای شهر، ایجاد خسارت‌های جانی و مالی فراوان است که با استفاده از برنامه‌های مدیریت بحران و رعایت نکات و اصول شهرسازی، می‌توان خسارت را به حداقل رساند. گسترش شبکه‌های ارتباطی و زیرساخت‌های شهری و عدم رعایت ابتدایی‌ترین نکات ایمنی در ساخت و سازهای شهری، موجب ایجاد خسارت‌های زیادی در زمان وقوع زلزله می‌شود. مفاهیم موجود در شهرسازی مانند ساختار شهر، فرم شهر، شبکه ارتباطی شهر و ... نقش مهمی در میزان آسیب‌پذیری شهر در برابر زلزله دارند. انعطاف‌پذیری در فرم شهر، همجواری و تناسب کاربری‌ها با یکدیگر، توزیع متناسب کاربری‌ها و تراکم شهری و داشتن شبکه ارتباطی کارآمد، ساخت تأسیسات و زیرساخت‌های شهری به صورتی مطمئن و قابل ترمیم از جمله عوامل مهم شهر سازی هستند که می‌توانند به میزان زیادی اثرات و تبعات ناشی از زلزله را تقلیل دهند.

حال با توجه به وضع موجود شهرهای کشور در برابر حوادث طبیعی و احتمال وقوع آنها، جهت کاهش هرچه بیشتر خسارت‌های جانی و مالی پیشنهادهای زیر به عنوان راهبردهای عملی و اجرایی جهت تحقق هدف فوق در رابطه با این شهرها ارائه می‌گردد:

- ۱- یکی از مسائل مهم در زمینه زمین لرزه، شناخت و بررسی دقیق ساخت و لرزه زمین ساخت گستره‌ای است که سکونتگاه‌های شهری بر روی آن استقرار یافته است. از این رو لازم است، به وسیله برنامه‌ای مشخص و مطالعه- ای دقیق و عمیق، وضعیت زمین ساخت و لرزه زمین ساخت، شهرهای کشور جهت کاهش هر چه بیشتر آسیب‌پذیری شهرها در برابر زلزله مشخص شود.
- ۲- لازم است با توجه به کمک موثر بررسی زمین لرزه‌ای یک منطقه در شناخت وضعیت لرزه‌خیزی آن منطقه، سوابق زلزله‌های تاریخی، به خصوص سده بیستم شهرهای کشور بررسی و تحقیق شود.
- ۳- به منظور آمادگی و مقابله با بحران، دوره‌های فعالیت و آرامش گسله‌های (دوره‌های بازگشت) گستره شهرهای کشور دقیقاً مشخص شود.

۴- با توجه به زلزله خیزی پهنه بیشتر شهرهای کشور، تهیه نقشه‌های دقیق پهنه‌بندی خطر لرزه‌خیزی شهر، همچنین تعیین پهنه‌های با خطر بالا ضروری است تا از مکان‌یابی مرکزهای حساس و کلیدی و سرمایه بر در این پهنه‌ها جلوگیری شود.

۵- یکی از مواردی که همواره در شهرها، هنگام بروز بلایای طبیعی باعث ایجاد خسارت‌های جانی و مالی فراوان می‌شود، ساخت و سازهای شهر است. لازم است، وضعیت ساخت و سازهای شهری کشور با توجه به تقسیم‌بندی کالبدی شهرها به خصوص در بافت قدیم و آثار ناشی از وقوع زمین لرزه‌های احتمالی بررسی شود و طرح‌های بازسازی و اصلاح هندسی خیابان‌ها و سایر طرح‌های اصلاحی و تعمیراتی مورد مطالعه دقیق قرار گرفته و از احداث و اجرای آنها در گستره خطرزا و پهنه لرزه‌خیز و خسارت آفرینی جلوگیری به عمل آید.

۶- می‌بایست ابعاد اجتماعی و اقتصادی ناشی از وقوع زمین لرزه احتمالی در گستره شهرهای کشور بررسی شده و شرایط لازم برای بهبود هر چه بیشتر این وضعیت به وسیله برنامه‌ریزی‌های بخشی و منطقه‌ای فراهم گردد. چرا که بررسی ابعاد اقتصادی و اجتماعی یک زمین لرزه به خصوص در شهرهای بزرگ و با مرکزیت منطقه‌ای دارای اهمیت فراوانی است.

۷- برنامه‌های مدیریت بحران در مقاطع زمانی مختلف (کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت) جهت بهبود و مصونیت هر چه بیشتر شهرهای کشور و کاهش آسیب پذیری و خسارت‌های جانی و مالی ناشی از وقوع بلایا و حوادث طبیعی تهیه شود.

۸- با توجه به عدم رعایت دقیق ضوابط معماری و شهرسازی در ساخت و سازهای شهری و شکل‌گیری فرم و ساختار شهر، می‌بایست ضوابط معماری و شهرسازی با هدف کاهش آسیب پذیری شهر از حوادث طبیعی تدوین شود. در تدوین این ضوابط لازم است آیین‌نامه‌های اجرایی و وظایف هر یک از ارگان‌های مسئول و ذی‌ربط در شهر مشخص شود. از طرفی ضمانت اجرایی این قوانین نیز به صورت واضح تعریف شود، تدوین چنین ضوابطی برای کلیه شهرهای کشور و پیش‌بینی‌های لازم جهت انجام آن، می‌تواند کمک زیادی به اجرای برنامه‌های مدیریت بحران نماید.

۹- با توجه به رشد بی‌رویه شهر و ساخت و سازهای آن، باید نظارت دقیقی از سوی شهرداری با توجه به قوانین و مقرراتی که موجود است اعمال شود یا واحدی خاص، زیر نظر استانداری‌ها یا شهرداری‌ها این کار را انجام دهد.

۱۰- با توجه به نقش مهم و حیاتی شبکه‌های ارتباطی شهر در امر امداد رسانی در هنگام وقوع بحران، بررسی دقیق وضعیت این شبکه‌ها در شهر، همچنین اصلاح هندسی و بازسازی تمام نقاط و گروه‌های شبکه‌های ارتباطی به خصوص در بافت قدیم با توجه به شکل و ساختار این بخش ضروری به نظر می‌رسد، تا امر امداد رسانی با تکیه بر شاخص زمان دسترسی و ارتباط مستقیم تسهیل شود.

